

ترجمه‌ای از چاپ دوم

جامعه‌شناسی دولت

با اضافات

مؤلفین

برتران بدیع

پی بریون بوم

ترجمه

دکتر احمد نقیب‌زاده

استاد دانشگاه تهران



سرشناسه	: بدیع، برتران، Badie, Benrand
عنوان و پدیدآور	: جامعه‌شناسی دولت / نوشته برتران بدیع؛ پی‌یر بیرن‌بوم؛ ترجمه احمد نقیب‌زاده.
مشخصات نشر	: تهران: قومس، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۲۴ ص.
شابک	: ۹۶۴-۸۸۱۱-۰۸-۳
یادداشت	: فیبا.
یادداشت	: Sociologie De L'etat, ©1982
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: دولت.
موضوع	: جامعه‌شناسی سیاسی.
شناسه افزوده	: بیرن‌بوم، پی‌یر
شناسه افزوده	: نقیب‌زاده، احمد، ۱۳۳۲- مترجم،
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۵ ج ۴ ب / ۱۱ / JC
رده‌بندی دیویی	: ۳۲۰ / ۱
شماره کتابخانه ملی	: ۲۰۹۵۰-۸۵ م



■ نام کتاب: جامعه‌شناسی دولت

□ مؤلف: برتران بدیع، پی‌یر بیرن‌بوم

□ مترجم: دکتر احمد نقیب‌زاده

□ حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هُما (امید سیدکاظمی)

□ لیتوگرافی: طیف‌نگار

□ نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۷

□ چاپ: ایران مصور

□ تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

□ قیمت: ۲۴۰۰۰ ریال

□ ناشر: نشر قومس، تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان آزادی، بعد از جمالزاده، خیابان

والعصر، تقاطع فرصت، شماره ۱۰۴

تلفن و شماره: ۶۶۹۳۲۷۹۷

صندوق پستی: ۱۳۹۱-۱۳۱۲۵

فهرست مطالب

- ۵ □ مقدمه مترجم
۹ □ مقدمه مؤلف بر چاپ دوم
۱۱ □ مقدمه مؤلف

بخش اول: دریافت‌های جامعه‌شناسی کلاسیک ﴿۱۵﴾

- ۱۷ فصل اول: دولت در نظریه‌های جامعه‌شناسی
۱۷ ۱. دو نظریه از دولت در تفکر مارکس
۲۸ ۲. دورکیم، تقسیم کار و دولت
۳۷ ۳. وبر، دولت و عقلانیت غربی
۴۹ فصل دوم: شکست جریان غالب جامعه‌شناسی معاصر
۵۱ الف. نگرش جدید نسبت به دولت
۵۲ ۱. دولت و عقلانیت
۷۲ ۲. فراگیر شدن دولت
۸۱ ب. به سوی نقد الگوی غالب
۸۲ ۱. نقد جامعه‌شناسی تمایزگذار
۹۶ ۲. نقد تک‌خطی

بخش دوم: دولت، جامعه و تاریخ ﴿۱۰۳﴾

- ۱۰۷ فصل اول: دولت، تقسیم کار و سرمایه‌داری
۱۲۳ فصل دوم: دولت و ساختار اجتماعی

۱۳۳ فصل سوم: دولت، فرهنگ و جداسازی

۱۴۳ فصل چهارم: فراگیر شدن دولت اروپایی در جوامع زیر سلطه

بخش سوم: دولت، مرکز و قدرت در جوامع معاصر ﴿۱۵۳﴾

۱۵۷ فصل اول: حکومت به وسیله دولت: قدرت دیوانسالار

۱۵۷ ۱. الگوی دولتی: فوانسه

۱۷۱ ۲. نهادینگی ناقص دولت: پروس

۱۷۹ فصل دوم: حکومت از طریق جامعه مدنی: ضعف بوروکراسی

۱۷۹ ۱. الگوی دولت ضعیف: بریتانیای کبیر

۱۸۶ ۲. مورد ایالات متحده آمریکا

۱۹۳ ۳. دولت و دموکراسی چندجامعه‌ای

۲۰۱ □ نتیجه‌گیری

۲۰۵ □ نقدها و نظرها

۲۲۱ □ سیاهه نام‌ها

www.ketaboo.com

مقدمه مترجم

دولت مهمترین موضوع مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی و علم سیاست در دو قرن اخیر است. دولت هم پدیده‌ای قدیم است و هم جدید، اما اشکال آن بسیار متفاوت و برداشت از آن نیز بسیار متنوع بوده است. برای مدت‌ها تمام سازمان‌هایی که در طول تاریخ به اداره جوامع گوناگون پرداخته‌اند زیر نام دولت شناسایی می‌شدند؛ در نتیجه دولت پدیده‌ای جهانشمول و گریزناپذیر تلقی می‌شد. اما امروز گرایش جدیدی در جامعه‌شناسی به وجود آمده که مایل است دولت را به گونه‌ای قطعی و دقیق محصول جوامع اروپای باختری در دوره‌ای معرفی کند که از رنسانس شروع و تا قرن نوزدهم ادامه یافت. پیش از این کارل مارکس دولت را موجودی انگلی، زائد و پرخرج توصیف کرده بود که پیش از هر چیز ابزار سرکوب در دست بورژوازی بود و هیچ قابله‌ای برای جامعه و طبقات دیگر در بر نداشت. اما در کتاب حاضر چنین القاء شده که دولت راه حل بحران پاره‌ای از جوامع اروپایی در دوره گذار به عصر سرمایه‌داری بوده است. هر چه جامعه در حل بحران‌های خود عاجزتر بود دولت با قوت بیشتری وارد صحنه می‌شد و برعکس در جوامعی که بخش خصوصی یا اقشاری از جامعه توانسته‌اند از طریق توسعه صنعت و اقتصاد پولی اداره جامعه را در دست بگیرند نیاز کمتری به دولت احساس شده است.

از این زاویه، دولت پدیده کاملاً جدیدی محسوب می‌شود که در پاره‌ای جوامع مانند فرانسه با تکیه بر یک دستگاه دیوانی بی‌طرف و عقلایی و یک نیروی نظامی غیر وابسته به اشخاص و گروه‌ها، به استقلال و توسعه چشمگیری نائل

شد. در پاره‌ای جوامع دیگر مانند انگلستان، سوئیس یا آمریکا دولت بسیار ناقص و عقب‌مانده باقی ماند. تسری این پدیده به جوامع جهان سوم که نه مشکلات جوامع اروپایی دوره گذار را دارند و نه از فرهنگی که پشتوانه حقوقی، فکری-فلسفی و اقتصادی این دولت قرار گرفت بهره‌ای برده‌اند، به مشکلات جدیدی دامن می‌زند که ناشی از کاشت نهال دولت در یک زمین نامساعد و آب و هوای نامساعدتر است.

اما به نظر ما این طرز تلقی محصول نگرش‌های جدید به تاریخ است. در عین آنکه خاستگاه دولت‌های جدید معروف به دولت-ملت، اروپای باختری است و زمان آن هم به حوالی دوره رنسانس برمی‌گردد و بحران‌های اجتماعی نیز نقش مهمی در ساخت، شکل و عملکرد دولت در یک جامعه خاص دارد، این سؤال مطرح می‌شود که هخامنشیان یا ساسانیان در ایران باستان را چه چیزی غیر از دولت می‌توان نامید. می‌گویند دولت‌های امروز از ساخت یک مرکز سیاسی بهره گرفتند و سایر تشکلهای نیروها را عقب راندند. می‌گویند دولت امروز مجهز به یک دستگاه دیوانی سراسری است که نظرات آن به هیچ گروه یا طبقه‌ای تعلق ندارند. می‌گویند دولت‌های امروز همه دارای یک محدوده جغرافیایی مشخص بوده و در آن محدوده افراد و گروه‌ها را زیر نظارت و هدایت خود می‌گیرند و توزیع منابع و ثروت و کاربست خشونت فیزیکی را به خود منحصر می‌سازند. سؤال این است که آیا دولت هخامنشی از یک مرکز واحد همراه یا نبود گروه‌های رقیب و قدرت‌های پراکنده محروم بود؟ آیا تقسیمات کشوری آنها به صورت ساتراپی و حکامی که از مرکز به این مناطق اعزام می‌شدند و دستورات خود را فقط از مرکز اخذ کرده و به هیچ گروه یا طبقه‌ای وابسته نبودند، با دستگاه دیوانی دولت‌های امروز جز در زمینه مسائل فنی و بهره‌گیری از ابزارهای امروزی، تفاوت داشت؟ آیا مرزهای آنها با همسایگانش به دقت مشخص نمی‌شد؟

هم از این روست که ما همراه با مردم‌شناسان کلاسیک و شخص ربرت لوی و ایوانس-پریچارد و فورتر معتقد هستیم دولت به پدیده اجتماعی اولیه‌ای مرتبط است که در همه جوامع به صورت نطفه‌ای وجود داشته و دارد. بی‌شک جوامع امروز همان‌طور که در زمینه‌های دیگر از جوامع کهن جلوترند، در زمینه

سیاست و دولت هم جلوترند و پاره‌ای از جوامع بهتر به سازماندهی سیاسی و اجتماعی خود می‌پردازند تا پاره‌ای دیگر. اما اگر به تعریف ما از سیاست باور داشته باشید که می‌گوییم سیاست عبارتست از آن قسمت از فعالیت‌های جمعی که به امور عمومی و هدایت کلی جامعه می‌پردازند، در آن صورت خواهید پذیرفت که این فعالیت‌ها لاجرم باید در یک سازمان عمومی و غیر شخصی تبلور یابد تا بتواند کارویژه‌های اساسی سیاست را که عبارتند از ایجاد نظم در داخل و هدایت آن به سوی وضعیت‌های بهتر و نگهداری و حراست از آن در برابر بیگانگان، به انجام برساند. این سازمان عمومی غیر شخصی که برای انجام وظایف خود نیازمند در دست گرفتن قدرت جمعی هم هست، دولت نام دارد. جالب آنکه در گذشته‌ها چنین فکر می‌شد که پادشاه دارای دو جسم است یکی معمولی و دیگر از نوع آتش و آن جهانی، این جسم اخیر به پادشاهی می‌پرداخت در حالی که جسم معمولی او مانند بقیه مردم بود. این تقسیم مبین غیر شخصی بودن عملکرد سیاسی است. حال ممکن است شما بگویید به جای سازمان عمومی و بی‌طرف همیشه عده‌ای با زور خواسته‌های خود را به دیگران تحمیل می‌کنند و نام آن را اراده دولت می‌گذارند. پاسخ ما این است که هر چیزی ممکن است اتفاق بیفتد، ممکن است کسی که رانندگی نمی‌داند پشت فرمان بنشیند یا دیوانه‌ای به زور جیب مردم را خالی کند یا فلان و فلان... اما تقصیر سیاست چیست؟ باید به کانت برگردیم: هر چه به جلو می‌رویم عقل ما افزایش بیشتری پیدا می‌کند. هر چه بیشتر عاقل شویم از کارهای بیهوده بیشتر پرهیز می‌کنیم و هر چیز از جمله سیاست را در جای خالی خود قرار می‌دهیم. قدرت دولت هم قدرت جمعی است و راه حل‌های دولت هم از طریق مفاهمه و مذاکره حاصل می‌شود. به طبع تا رسیدن به این نقطه باید کوشش زیادی انجام داد تا منفعت عمومی، قدرت جمع و عقل ارتباطاتی شکل گیرد. ممکن است شما بگویید همه اینها افسانه‌ای بیش نیست. شاید هم این طور باشد.

تمام مطالب درون [] از ماست.

مقدمه مؤلف بر چاپ دوم

هدف این اثر شفاف‌تر ساختن کاربرست یک مفهوم یعنی مفهوم دولت است. این مفهوم به گونه‌ای عام و به دور از احتیاط نظری و به گونه‌ای یکسان در مورد تمام نظام‌های سیاسی به کار گرفته می‌شود. وضعیت به مرحله‌ای رسیده که گویی دارد بُعد تحقیقاتی خود را در تمام تحلیل‌های معاصر از دست می‌دهد؛ یعنی بدون روشن شدن تعریف آن، به عنوان مرحله‌نهایی در روند تمرکزگرایی ساختارهای سیاسی معرفی شده که انگار سخن از قانون مشترک تکامل در همه جوامع به میان می‌آید.

اما برعکس، اگر از منظر جامعه‌شناسی به آن توجه کنیم خواهیم دید که تعریفی مشخص‌تر دارد. سنت‌های جامعه‌شناسی به رغم تفاوت‌هایی که با هم دارند در یک نکته اشتراک نظر دارند و آن اینکه بین دولت و مرکز سیاسی تفاوت وجود دارد. اگر هم از منظر تمایزگذاری به آن نگاه شود، دولت خصیلتی عملیاتی پیدا می‌کند.

حال ما بر سر یک دوراهی قرار داریم: اگر تعریف موشع دولت را بپذیریم در راهی بیهوده گام نهاده‌ایم و اگر از منظر جامعه به آن نگاه کنیم در آن صورت دیگر دولت محصول تاریخ جهانشمول نبوده و برعکس محصول بحران تاریخی تلقی می‌شود که جوامع ماقبل مدرن با آن روبرو بوده‌اند. در عین حال اگر نمی‌توان گفت که در همه جا با یک دولت سر و کار داریم به معنای این هم نیست که ساخت دولت را به یک کشور یا تعداد معدودی از کشور نسبت دهیم. در واقع تاریخ‌های خاصی به فرایند دولت‌سازی منتهی شده‌اند.

کتاب حاضر در زمانی به نگارش درآمده است که نیاز به آزمون دولت در پرتو تاریخ، به ویژه در کشورهای انگلوساکسون احساس می‌شود. بازتاب این نیاز در نوآورترین بخش نظریه سیاسی مشاهده می‌شود. امروزه بحرانی که دامن‌گیر الگوهای بزرگ برخاسته از نظریه جامعه‌شناسی شده است به نوبه خود بر این جریان اثر می‌گذارد. این بحران هم‌چنین محرک بازگشت به تحلیل‌های سنتی‌تر و از نظر روش‌شناسی ملهم از «فردگرایی متدولوژیک» و مشی تجربی است که اغلب به ملاحظات هنجاری هم ختم می‌شوند. این تحول از نظر بسیاری به مشکلات روش‌شناختی خاص جامعه‌شناسی تاریخی و ابهامات شناخت‌شناسی همراه با آن مربوط می‌شود. رویگردانی از تأملات نظری هم بهترین راه حل نیست. آنچه ما در این کتاب پیشنهاد می‌کنیم تدوین آنچه‌ان الگوی تحلیلی است که به لحظه‌های مختلف و مکان‌های مختلف در اتصالی نظر دارد که بین تاریخ جوامع و فرآیند ساخت دولت برقرار می‌شود. با الهام از تاریخ، جامعه‌شناسی دولت باید از خلق مجدد یک تکامل‌گرایی نوع سیاسی پرهیز و فکر نکند که یک بار که نوع خاصی از دولت شکل گرفت همیشه به همان حال باقی می‌ماند. طبعاً می‌توان به شرایطی که در آن نوع خاصی از دولت جای خود را به نوع دیگری از آن می‌دهد، فکر کرد.

مقدمه مؤلف

جامعه‌شناسی در روزگار ما با تمام وجود خود را در مواجهه با تاریخ می‌بیند. جامعه‌شناسی که در دوره معاصر به یک رشته علمی تبدیل شده است، به سوی کنار گذاشتن بُعد تاریخی که بعضی از بنیانگذاران این رشته به کار خود داده بودند، گرایش پیدا کرد. از آن زمان این رشته یا زیر سلطه دیدگاه‌های ارجحیتی یعنی در جهت تحلیل‌هایی قرار می‌گرفت که نظام اجتماعی را چونان مجموعه‌ای متوازن با هویتی قائم به ذات در نظر می‌گرفتند یا تحت تأثیر برداشت‌های جامعه‌شناسی خُرد به سوی مطالعات گروه‌های کوچکی سوق می‌یافت که در برگیرنده اشکال گوناگونی از تعامل‌های اجتماعی در درون خود بودند. در هر یک از این موارد، جامعه‌شناسی نسبت به تاریخ بی‌تفاوت و در همان حال از پدیده‌های سلطه نیز رویگردان بود. این گسیخت به ویژه در بسیاری از کارهای جامعه‌شناسی معاصر آمریکا که به رغم غنای وسیع خود غیر تاریخی باقی مانده‌اند، خودنمایی می‌کند.

در فرانسه، برعکس، از چندین دهه قبل تاریخ‌دانان که گاه خود نیز از کارهای جامعه‌شناسی الهام می‌گرفته‌اند، روش‌های خود را در مورد مطالعه‌ی سیوروت جوامع بر جامعه‌شناسی عرضه داشته‌اند. امروزه، همه چیز عوض شده و از این پس جامعه‌شناسان سعی دارند تا کارهای تاریخ‌دانان را در تحلیل‌های خود به کار گیرند. از این رو، جامعه‌شناسی، تاریخی می‌شود و الگوهای خاص خود را در مورد داده‌های تاریخی به کار می‌گیرد. این حرکت به گونه‌ای گسترده در جامعه‌شناسی آنگلوساکسون مشاهده می‌شود. این جامعه‌شناسی که پیش از همه،

به اهمیت کارهای تاریخی ماکس وبر آگاهی یافت، دست به تحقیقات بسیار پرباری زد. جامعه‌شناسی فرانسه نیز به نوبه خود به کشف واقعی تاریخ پرداخت. به ویژه تنها این جهت‌گیری جدید است که می‌تواند باعث شکوفایی جامعه‌شناسی واقعی دولت شود. دولت که مدت‌ها به دست فلاسفه و حقوقدانان سپرده شده بود، بیش از همه به برداشتی جامعه‌شناسانه نیاز دارد؛ نه به این دلیل که سازمان و کارکرد دولت آن‌طور که پاره‌ای‌گرایش‌های جامعه‌شناسی تحویل‌گرا القاء می‌کنند، تحت تأثیر متعین‌های اجتماعی قرار دارد، بلکه به این دلیل که دولت خود یک پدیده اجتماعی است. همچنین دولت به عنوان بازیگر اجتماعی با تاریخ نظام اجتماعی و همچنین با تاریخ خاص خود پیوند خورده است.

تنها یک مشی تطبیقی عمیقاً بازسازی‌شده می‌تواند به این نکته بپردازد. چنین مشی‌ای متضمن کاریست پارادایم‌های متعدد نظریه جامعه‌شناختی در تحلیل‌هایی است که تاریخدانان با تأمل در مورد ساختارهای دولت-شهر و همچنین در مورد ساختارهای امپراتوری، دولت‌های مطلقه یا دولت‌های معاصر به دست داده‌اند. این مشی همچنین متضمن قرائتی متفاوت از کوشش‌های نظریه‌پردازی این‌گونه محققان است. سؤال‌هایی که جامعه‌شناس در این باره مطرح می‌کند در واقع از سؤال‌هایی که تاریخدانان مطرح می‌کنند متفاوت‌اند.

نویسندگان کتاب حاضر، تاکنون با آن‌چنان مشکلات روشی روبرو بوده‌اند که بعضی‌ها در فرانسه آن را این‌گونه حل کرده‌اند که از جامعه‌شناس بخواهند تا تسلیم تاریخدان شود، یا بهتر از آن، اسم خود را عوض کند. یکی از پیش به مسئله توسعه سیاسی علاقه نشان داده تا در مورد این پدیده تاریخی تبیینی جامعه‌شناسی به دست دهد [بدیع]؛ دیگری سعی کرده تا تفسیر صیوررت قدرت در تاریخ اخیر جامعه فرانسه را بازسازی نماید [بیرن‌بوم]. اندیشه کتاب حاضر که به طور گسترده مدیون کارهای تاریخدانان است نیز از همین جانشأت می‌گیرد. آنچه می‌ماند این است که جامعه‌شناسی تاریخی هنوز آسیب‌پذیر بوده و بر تحلیل‌های دست دوم و ادبیاتی نامناسب و گاه ناهمگن استوار است. این جامعه‌شناسی هم‌زمان مدعی شناخت تاریخ دولت‌ها و ارائه تفسیر جامعه‌شناختی

آنهاست. بی شبهه، نویسندگان این کتاب قادر به رفع تمام این مشکلات نیستند. به رغم همه اینها [آنها] سعی کرده‌اند تا چند شاخص تکمیلی به وجود آورده و به طرح چند دیدگاه نظری پردازند؛ زیرا تلاش برای ساخت یک جامعه‌شناسی دولت که به مسئله تکوین و تحولات و تنوع اشکال دولت و وجوه نابرابر توسعه آن پردازد، ضروری و فوری جلوه می‌کند.

بدیع - بیرن بوم

www.ketab.ir